

# وقت خونخواهی قربانیان تروریسم



زهرآ طیبی خبرنگار گروه نقد روز

پای روایت‌ها که بنشینید حرف برای گفتن زیاد است. آنقدر قصه ناگفته وجود دارد که شنیدن شرح حادثه‌ها از زبان شاهدان هنوز تاژی دارد اما ماهیت هر اتفاق یک چیز است؛ چریک‌هایی که می‌خواستند با ترورهای کور یا برنامه‌ریزی شده براندازی کنند، در ذهن مردم تبدیل به تئوریست‌هایی شدند که به قتل مردم عادی دست می‌زدند. این آغاز راه سازمانی بود که خود را مجاهد خلق می‌دانست. حالا و در وقته‌ای ۴۰ ساله و در حوالی خیابان بهشت قرار است به اتهامات سازمانی رسیدگی شود که فاز مسلحانه علیه مردم ایران را از دهه ۶۰ تا الان فعال نگه داشته است.

## یک سازمان تروریستی

ورود پلیس آلبانی به کمپ منافقین و دسترسی پلیس به تجهیزات رایانه‌ای آنها در کنار اسنادی که ایران در جریان اتفاقات پاییز سال گذشته از فعالیت‌ها و اقدامات این سازمان تروریستی در اختیار داشت، این گزاره را اثبات کرد که سازمان هنوز برای اجرای فاز عملیات مسلحانه در داخل ایران برنامه‌ریزی می‌کند و حتی در این میان افراد را به نوعی جذب سازمان می‌کند که خودشان نیز متوجه نمی‌شوند که در حال همکاری با این سازمان تروریستی هستند. اما این همه ماجرا نبود. تلاش برای تشدید فشار و تحریم علیه مردم ایران در مجامع بین‌المللی، وجه دیگر اعمال دشمنی سازمان با ایران بود و در آخرین نمونه و در جریان اتفاقات پاییز، این گزاره همواره تکرار می‌شد که کشورهای اروپایی سفارت خود در تهران را تعطیل کنند. در تمام این سال‌ها چیزی که جای خالی آن در مجامع حقوقی احساس می‌شد، اعلام جرم علیه این سازمان بود. اقدامی که حالا با وقته‌ای ۴۰ ساله، علیه سازمان و ۱۰۴ نفر از اعضای این تشکیلات صورت گرفته تا این بار برمیانی اسناد و شواهد موجود حکم قطعی این سازمان در دستگاه حقوقی ایران نیز صادر شود.

## متهم ردیف اول؛ سازمان مجاهدین خلق

روز سه‌شنبه ۲۱ آذر ماه اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات سازمان منافقین برگزار شد. هم برخی از شاکیان حاضر بودند، هم وکلای متهمان. دادگاه غایبی و بدون حضور متهمان تشکیل شده بود. شاکیان اولین حاضران جلسه دادگاه بودند. تابلوها و عکس‌های شهیدان نیز کنارشان بود. هرکدام روایت‌های خود از لحظه‌ای که عزیزشان را از دست داده بودند یا خیر شهادت به آنها رسیده بود را در گفت‌وگو با خبرنگاران مطرح می‌کردند. برخی نیز می‌گفتند دوست ندارند گفت‌وگو کنند. سالن اجتماعات مجتمع قضایی امام خمینی (ره) که قرار بود به اتهامات منافقین رسیدگی کند هنوز خالی از جمعیت بود. در میان خانواده‌های شهدا اما خامنی که تلاش می‌کرد صورتش را با چادش بپوشاند و به نظر آزارم می‌آمد، توجه را جلب کرد. وقتی از او خواستم که گفت‌وگویی با هم داشته باشیم، از من پرسید: «کجا می‌توانم بنشینم که دوربین‌ها دور باشم؟» گوشه خلوت سالن که نشستیم، صحبت‌مان گل انداخت. گفت که همسرش امام جماعت مسجد ولیعصر بوده که سال ۵۷ و وقت نمازخواندن ترور شده است. در شرح ماجرای ترور همسرش سیداحمد آقامیری زنجانی، گفت: «یکی دو روز قبل از ترور، جلسه‌ای با امام داشتند که گفته بود اسلحه‌ها دست همه

افتاده است و تصمیم گرفتند این وضعیت را سازمان بدهند. افراد برای اسلحه‌ها کارت و مشخصات ارائه می‌کردند که برای ماست، یکی از روزها فردی وارد می‌شود و می‌گوید برای اسلحه کارت بدهید. همسر می‌گوید، صبر کنید الان وقتش نیست، بعد از نماز. همان‌جا همسر من را شناسایی می‌کند و نماز که شروع شد تیراندازی کرد.» صحبت‌مان که تمام شد تقریباً تمام سالن پر شده بود. نماینده دادستان پشت تریبون رفت و شروع به خواندن کیفرخواست متهمان کرد. ماجرا را از ابتدای شکل‌گیری سازمان، تغییر ایدئولوژی و مارکسیست شدن سازمان موسوم به مجاهدین شروع کرد. در میانه صحبت درباره تغییر ایدئولوژی سازمان، مهدی صیادشیرازی، فرزند شهید صیادشیرازی بلند شد و خطاب به دادگاه گفت: «مجاهدین مسلمان نبودند. نمی‌شود هم مارکسیست بود، هم مسلمان... باید نسبت به ماهیت این اقدام قانونی انجام شود.» و به نمایندگی از خانواده‌های شهدا اعلام کرد که خواهان مجازات منافقین و دریافت خسارت به‌خاطر اقدامات آنهاست. صحبت‌هایی که قاضی دهقانی به آن واکنش نشان داد و علاوه بر اینکه خواست نظم دادگاه رعایت شود، گفت که دادگاه اصل بی‌طرفی در رسیدن به اتهامات متهمان را رعایت خواهد کرد.

## دادگاه رسمی است

خبری از متهمان نیست اما اسناد به اندازه کافی ماجرا را روایت می‌کنند. با این حال قاضی تأکید می‌کند که برای ارائه دافعیات متهمان به آدرس رسمی آنها ایمیل نیز ارسال کرده است. برای افکار عمومی نیازی به اثبات نبود که اقدامات سازمان تروریستی با آگاهی انجام شده است و شاهدان ماجرا نیز هنوز همه چیز را دقیق روایت می‌کنند. اینجا اما همه اسناد مکتوب شده است و تصاویر و فیلم‌ها به حضاران و دادگاه نمایش داده می‌شود و نماینده دادستان بعد از پاسخ به سوال قاضی که آیا این اسناد به پرونده مربوط است و در آن درج شده، تصاویر و فیلم‌ها را نمایش می‌دهد. تأیید مسعود رجوی براینکه آنها دست به انفجار دفتر نخست‌وزیری و ساختمان حزب زدند و آگاهی کاخ سفید و الیزه از اقدام آنها در دیدار خصوصی او با ژنرال حبوش، رئیس سرویس اطلاعات عراق از جمله اسنادی بود که در این دادگاه به آن اشاره شد. تروهایمی که سازمان هیچ‌وقت به‌طور علنی و رسمی مسئولیت آن را نپذیرفت. تصاویر و روایت‌های قربانیان و مردمی که در فاز مسلحانه سازمان، آسیب دیدند و خانواده‌هایشان را از دست داده بودند نیز بعد از پرسش دوباره قاضی و پاسخ دوباره نماینده دادستان که سند مذکور نیز در پرونده درج شده، به نمایش درآمدند. تصاویری که شاید گذر از آن روزها، تلخی آن را حتی از خاطر شاهدان برده بود اما این اصل که انجام این اقدامات توسط این سازمان صورت گرفته، تغییر نمی‌کرد. شخصیت حقوقی سازمان، متهم ردیف اول دادگاه شعبه ۱۱ کیفری استان تهران بود. مشخصات، اسامی، اطلاعات و جزئیات متهم ردیف دوم، سوم و چهارم هم به حضار نمایش داده شد. مریم قجرعزضا انلو، متهم ردیف سوم، نام پدر؛ حسین، شماره شناسنامه؛ ۱۵۷۵، تاریخ تولد؛ ۱۳۲۲/۹/۱۳، صدور فرمان اجرای عملیات فروغ جاویدان، جانشین کلی ارتش تروریستی در سال ۶۶، هدایت عملیات‌های نظامی و تروریستی در داخل ایران از جمله اتهاماتی است که متوجه متهم ردیف سوم یا همان مریم رجوی، رهبر گروهک منافقین است. متهم ردیف چهارم، مهدی ابریشم چی، همسر سابق مریم رجوی است که در انقلاب ایدئولوژیک سازمان از مریم رجوی جدا می‌شود. اتهامات و اسنادی که اتهامات او را اثبات می‌کند آنقدر

زیاد است که بیش از کیفرخواست دو متهم دیگر یعنی مسعود رجوی و مریم رجوی طول می‌کشد؛ از اجرای عملیات‌های مهندسی تا همکاری در دزدیدن هواپیمای بوئینگ.

## آزار و اذیت اعضای سازمان؛ جرم بعدی مجاهدین خلق

ترور مردم، شخصیت‌ها و آسیب به عوامل تنها اتهامی نبود که در شعبه ۱۱ کیفری متوجه سازمان بود. در تمام این سال‌ها بعضی از اعضای خارج شده سازمان تلویحاً اعلام می‌کردند که امکان دیدار با خانواده، فرزندان و همسر خود را نداشتند و سازمان افرادی که از دستورها تمکین نمی‌کردند را به قتل می‌رساند. سازمان عادت داشت برای انجام اقداماتی که می‌خواست آنها را موجه جلوه دهد، اسم بگذارد. مثلاً جدا کردن همسر و فرزندان از یکدیگر و منحل کردن نهاد خانواده در سازمان را «انقلاب ایدئولوژیک» نام‌گذاری کرد. سرسپاری نیز ارزش والای تشکیلاتی بود که زنان و دختران می‌بایست خود را در اختیار سرکرده گروه قرار می‌دادند. این بخشی از آن چیزی است که توسط اعضای حاضر در دادگاه روایت می‌شد. اعضای سازمان عملاً تبدیل به زندانیانی شده‌اند که اجازه ندارند، بدون هماهنگی سازمان از مقر خارج شوند. اقدامی که بیشتر شبیه به گروگان‌گیری است. علاوه بر این در جلسه دادگاه این موضوع مورد تأکید قرار گرفت که برمیانی اسناد و بعد از حمله پلیس آلبانی، آزار و شکنجه اعضای سازمان افزایش پیدا کرده و این اقدام بعد از شکل‌گیری اعتراضاتی از جانب اعضای سازمان تشدید شده است. زندان، شکنجه و برگزاری نشست‌های غسل برای اعضای مساله‌دار سازمان از جمله این اقدامات بوده که مسئولیت انجام آنها به عهده مهدی ابریشم چی، متهم ردیف چهارم دادگاه بوده است.

## ختم جلسه!

جمعیت زیادی از افراد سالن را خبرنگاران و رسانه‌ای‌ها تشکیل می‌دادند. جمعیت زیادی از عکس‌ان مقابل جایگاهی که شاکیان حضور دارند، ایستادند و کوچک‌ترین واکنش و اظهارنظر را ثبت می‌کنند و پیش از شروع رسمی جلسه دادگاه فرزند شهید لاجوردی و شهید صیادشیرازی پای ثابت مصاحبه و گفت‌وگو با خبرنگاران هستند. با این حال اما در میان خبرنگارانی که در حال ثبت مشروح جلسه هستند، افرادی حضور دارند که یک پرونده یا پوشه در دست دارند. بعضی جوانند و سال‌خورده هم در میان‌شان دیده می‌شود. به نظر می‌رسد یا از وکلا هستند یا کارمندان دادگستری. جلسه از صبح تا نزدیک ظهر طول کشید. قاضی در میان صحبت نماینده دادستان از او می‌خواهد تا ۱۵ دقیقه دیگر قرائت کیفرخواست را تمام کند و اعلام تنفس یک‌فته‌ای می‌کند تا جلسه بعدی دادگاه تشکیل شود. خبرنگاران بعد از اتمام جلسه دوباره دوربین و میکروفن به دست سراغ خانواده‌های شهدا می‌روند. سوال تکراری خبرنگاران این است که انتظارات از این دادگاه چیست و جواب تکراری خانواده شهدا هم درخواست مجازات مسببان و عاملان حوادث تروریستی است. در این میان اما پیرمردی که یک عکس قدیمی سیاه و سفید در دست دارد هم ایستاده است و در حین اینکه می‌گوید تقاضا دارد تروریست‌ها محاکمه شوند، نگاهش را به زمین می‌دوزد و تصویر پسرش را در دست می‌گیرد. دانشجوی مهندسی شیمی که در نمازجمعه سال ۶۳ در شهادت می‌رسد. پرویز شعبانی یکی از ۱۴ نفری بود که در جریان نمازجمعه اسفند ۶۳ و در بمب‌گذاری به شهادت رسید.

## هزینه ماهیانه بلیت متروی پرند ۱۰ درصد حداقل حقوق است

# این قطار کارگری نیست



زینب مرزوقی خبرنگار گروه نقد روز

بالاخره پس از انتظار ۱۸ ساله متروی پرند در دو باندها، ۹ آذر ماه با حضور رئیس‌جمهور و مدیران شهرداری تهران افتتاح شد. مطالعات پروژه خط مترو تهران - پرند در سال ۱۳۸۴ توسط وزارت راه و شهرسازی آغاز شد. عملیات اجرایی این پروژه سال ۱۳۹۰ شروع و در سال ۱۳۹۱ اجرای کل طرح به شهرداری تهران واگذار شد. بخشی از این طرح در محدوده حد فاصل ایستگاه شاهد تا شهر آفتاب به طول چهار کیلومتر در ابتدای سال ۱۳۹۵ و بخش دیگر از ایستگاه شهر آفتاب تا فرودگاه امام خمینی (ره) به طول ۲۶ کیلومتر در مردادماه سال ۱۳۹۶ تکمیل و مورد بهره‌برداری قرار گرفت، اما قطعه دوم پروژه متروی شهر جدید پرند به طول ۱۹ کیلومتر از فرودگاه امام خمینی (ره) تا شهر جدید پرند که طراحی شده به دلیل محدودیت‌های مالی و مسایل مشکلات متوقف مانده بود تا اینکه بالاخره اوایل آذرماه امسال این پروژه تکمیل و افتتاح شد. در روزهای اول افتتاح این خط از مترو؛ ماجرا و کش و قوس‌هایی درباره قیمت بلیت متروی پرند به وجود آمد و تا چند روز اول افتتاح، همچنان قیمت بلیت متروی پرند مشخص نبود. تا اینکه در جلسه علنی ۱۲ آذرماه شورای شهر تهران قیمت ۱۳ تا ۱۵ هزار تومان توسط شورای تصویب شد. درخصوص تصویب قیمت این خط از مترو و توجیه این رقم نیز سیدجعفر تشکری هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران در جلسه علنی شورای شهر می‌گوید: «قیمت بلیت مترو پرند تا پایان سال جاری برابر نرخ فرودگاه امام به ازای هر سفر الکترونیک و کارت بلیت ۱۳ هزار و ۶۵۰ تومان و بلیت تک سفره ۱۵ هزار تومان تعیین شده که درواقع نرخ بلیت فرودگاه امام است.» مهدی چمران، رئیس شورای شهر در تصویب قیمت بلیت مترو تهران به پرند و برگشت، عنوان می‌کند: «این نرخ نسبت به کرایه تاکسی و دیگر وسایل نقلیه عمومی تا مترو امام خمینی (ره) تقریباً معانی است. با هزینه‌های بالایی که مترو دارد، ۲۰ هزار تومان هم برای این مسیر کم است؛ چراکه بعد از رسیدن به تهران می‌توانند از سایر خطوط با همان ۲۰ تومان در دیگر خطوط مترو ادامه مسیر دهند. هزینه بلیت متروی تهران - پرند قرار بود ۲۰ هزار تومان باشد اما تصمیم گرفتیم تا پایان سال رقم بر اساس نرخ بلیت فرودگاه امام باشد. برای مترو تهران - کرچ نیز باید تصمیم درستی گرفته شود تا نرخ سایر وسایل حمل‌ونقل عمومی هم‌تراز باشد و تفاوت چندانی نداشته باشد.» میزان دریافتی حقوق یک کارگر در سال ۱۴۰۲ و براساس تصویب وزارت کار رقمی حدود ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. اگر قرار است یک کارگر هر روز ۲۰ هزار تومان برای خرید بلیت متروی پرند پرداخت کند، در عمل یک هفتم حقوق او صرف هزینه حمل‌ونقل آن هم

حمل‌ونقل عمومی می‌شود. این هزینه البته بدون درنظرگرفتن هزینه احتمالی تاکسی تا مترو یا مترو تا محل کار است و خالص هزینه مترو ۹۰۰ هزار تومان خواهد بود. ظاهراً آنچه در این بین و به هنگام تصویب قیمت متروی پرند به آن توجه نشده است، به صرفه بودن قیمت حمل‌ونقل عمومی و درنظر گرفتن قشر کارگر است که با حداقل حقوقشان، یک هفتم درآمدشان صرف خرید بلیت مترو خواهد شد.

## از قیمت چیپس و پنک هم کمتر است

سیدجعفر تشکری هاشمی، رئیس کمیسیون حمل‌ونقل شورای شهر تهران معتقد است این امر که پرداختی‌ها به مردم مناسب نیست، کاملاً صحیح است. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید: «اینکه تورم روی زندگی مردم سایه انداخته و نه تنها با کف پرداختی‌ها، بلکه با چند برابر دریافتی‌ها هم باز زندگی و رفاه مطلوب، فاصله دارد. این سخن، سخن درستی است. اما قیمت واقعی و تمام شده جابه‌جایی مسافر چند است؟ همان‌طور که مردم محدودیت‌ها و مشکلاتی دارند و اتفاقاً به حق هم هستند و به نظر می‌رسد که بسیاری از حقوق‌ها کفاف جاری مردم را نمی‌دهد، اما هزینه تمام‌شده مسافر در متروی داخل شهر که تعداد بیشتری مسافر جابه‌جا می‌شود، نرخ میانگین هزینه تمام‌شده هر فرد بیش از ۳۰ هزار تومان برای مترو به‌عنوان هزینه‌های جاری تمام می‌شود. استهلاک سرمایه و سرمایه‌گذاری هم در این رقم دخیل نیست و صرف هزینه جاری بیش از ۳۰ هزار تومان برای هر مسافر هزینه دارد.»

تشکری هاشمی در توضیح این امر که این عدد برای مسافری که از پرند می‌آید چگونه حساب می‌شود، عنوان کرد: «۵۰ کیلومتر مسیر پرند تا ایستگاه شاهد است. از ایستگاه شاهد وقتی وارد خط می‌شوید، نزدیک به ۲۰ کیلومتر پیمایش نیز امکان پیمایش داخل این خط وجود دارد و می‌توانند به نقاط دیگر تهران برسند. ما چقدر کرایه مصوب کردیم؟ برای مسافران دائمی ما که کارت بلیت الکترونیک دارند قیمت ۱۳ هزار و ۶۵۰ هزار تومان است. سه هزار تومان را اگر به اندازه بلیت داخل شهری حساب کنیم درواقع ۱۰ هزار تومان برای یک بلیت رفت و یک برگشت پرداخت کرده‌اند. از آنجایی که ما امکان گرفتن کرایه برای مسیر شاهد تا پرند را نداریم، به عبارتی می‌توان گفت که این مسیر را تنها با پنج هزار تومان تردد می‌کنند. شما با پنج هزار تومان حتی نمی‌توانید چیپس و پنک هم بخردید بنابراین مبلغ بسیار ناچیز است و باید شرایط و مشکلات مردم ما را در نظر بگیرید. همچنین به نظر من پنج هزار تومان عددی است که با رعایت حال مردم تدوین شده و نه تنها منصفانه است، بلکه در نهایت تلاش شورای شهر برای کم کردن

## قیمت بلیت مسیری تهران به پرند با رعایت حال مردم بود

او همچنین در پاسخ به اختلاف قیمت بلیت متروی پرند به تهران با قیمت بلیت کرچ به تهران نیز می‌گوید: «یک رقم حدود سه تا چهار هزار تومان برای مسیر کرچ به تهران است و باید یک قیمت مشابه نیز برای تردد در خطوط تهران هم پرداخت کنند که عملاً حدود هفت الی هشت هزار تومان رفت و همین رقم به تصویب رسیده است.»



فشار حمل‌ونقل به تصویب رسیده است.»

تومان نیز برای این شهر هزینه پرداخت می‌شد. باز هم نسبت به راه‌آهن که کیفیت مترو با قطارها اصلاً قابل مقایسه نیست، ارزان‌تر است، یعنی هیچ سرویسی به ارزان‌ی آن نداریم. از آنجایی که ما می‌دانیم سطح درآمد مردم در آن منطقه متوسط است، ما کمترین بها را درنظر گرفتیم و شاید از این کمتر هم امکان‌پذیر نبود، اما در حال برای رعایت حال مردم بود.»

## پس چه کسی حق کارگر را رعایت می‌کند؟

آنچه در این بین و هنگام تصویب قیمت بلیت مترو تهران به پرند فراموش شده است؛ الزام به صرفه بودن حمل‌ونقل عمومی برای تمام اقشار جامعه است. کارگری که هر ۱۰ هزار تومان از درآمدش نیز یک مبلغ قابل توجه به حساب می‌آید و به قول خودمان برای هر هزار تومان نیز حساب و کتاب دارد، روزانه ۳۰ هزار تومان هزینه برای حمل‌ونقل عمومی در این شرایط تورم و خرج‌های سنگین یک هزینه گزاف و غیرمعقول است. با وجود تمام تلاش‌ها برای راه انداختن متروی پرند توسط شهرداری و این دوره از شورای شهر، اما به نظر می‌رسد که قیمت مصوب‌شده متروی پرند برای قشری که امکان دارند استفاده روزمره از این خط مترو داشته باشد، کمی غیرمنصفانه و غیرمعقول است.